نگرشی بر:

سازشناسی موسیقی کُردی

تحقیق و تألیف: بهزاد نقیب سردشت

با پیشگفتاری از: نادر کریمیان سردشتی

تهران - ۱۳۸۵

www.ketab.ir

نقیب سردشت، بهزاد
نگرشی بر سازشناسی موسیقی کُردی/ تحقیق و تالیف بهزاد نقیب سردشت. -- تهران: توکلی، ۱۳۸۵.
۴۰۰ ص.: مصور.
ISBN: 964-5821-30-4
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. ۳۸۵-۳۹۸؛ همچنین بصورت زیرنویس.
۱. موسیقی محلی ایرانی -- کردستان -- ایران. ۲. سازهای ایرانی -- کردستان. الف. عنوان. ب. عنوان: سازشناسی موسیقی کُردی.
ML۲۴۴/۷/ن۷ک۴ ۷۸۹/۹۴۲
کتابخانه ملی ایران ۸۴-۹۳۴۸م

سازشناسی موسیقی کُردی

تحقیق و تالیف: بهزاد نقیب سردشت
پیشگفتار: نادر کریمیان سردشتی
ویراستار: عمر توکلی
نمونه‌خوان: سیامند توکلی
ناشر: انتشارات توکلی
نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۵ ش
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی و چاپ: نقره‌آبی
تلفاکس: ۶۶۴۱۱۲۷۶-۰۲۱ - تهران
شابک: ۴-۳۰-۵۸۲۱-۹۶۴ ISBN: 964-5821-30-4

www.ketab.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار / نادر کریمیان سردشتی ۹
دیباچه مؤلف ۲۳

بخش اول:
دانش موسیقی و موسیقی کُردی

موسیقی شناسی ۳۱
پیدایش موسیقی ۳۳
نظرات ارائه شده راجع به موسیقی ۳۴
کرد و موسیقی ۳۶
موسیقی سازی و آوازی ۳۹
رده‌بندی آلات موسیقی ۴۰

بخش دوم:
نوازنده و نوازندگی در موسیقی کُردی

نوازندگان ۴۷
نوازنده در زبان کُردی ۴۷
لوتی ۴۸
چاوه‌ش ۵۳
به‌گزاده ۵۴

www.ketab.ir

مورتو ۵۵
مرتب ۵۶
عاشق ۵۶
دوم ۵۶

بخش سوم:

ادیان و موسیقی کُردی

ادیان و موسیقی کُردی ۶۳
کردستان و ادیان ۶۹
یارسان ۷۳
اعتقادات ۷۴
مراسم آیینی ۷۵
ایزدی ۷۶

بخش چهارم:

سازهای بادی موسیقی کُردی

سازهای بادی ۸۳
سرنا ۸۶
شمشال ۱۰۶
بلویر ۱۲۱
دوزەله ۱۳۰
نەرمەنای (بالەبان) ۱۴۳
شیپور ۱۵۷
تولوم (نی انبان) ۱۶۲

www.ketab.ir

بخش پنجم:

سازهای زهی موسیقی کُردی

سازهای زهی ۱۶۷
مختصری از فیزیک آلات زهی ۱۶۸
تنبور ۱۷۰
کمانچه ۲۱۶
عود ۲۳۲
تار ۲۴۸
سنتور ۲۶۳
جومبوش ۲۷۹
چنگ ۲۸۱
آکری ۲۸۷

بخش ششم:

سازهای ضربی در موسیقی کُردی

سازهای کوبه‌ای ۲۹۱
فیزیک آلات ضربی ۲۹۲
دف ۲۹۴
دایره ۳۰۹
دهل ۳۱۶
دمبک (تمبک) ۳۴۰
دو ته‌پله (نقاره) ۳۵۰
طبل، تاس ۳۵۶
سنج ۳۶۶
پره تاس ۳۷۲

www.ketab.ir

چه‌پله ۳۷۴
چه‌قانه ۳۸۰
انبر (مه‌قاش) ۳۸۳
کتابشناسی ۳۸۵

www.ketab.ir

پیشگفتار

به نام خداوند جان‌آفرین

لاوینیاک می‌گوید:« روح خالص موسیقی ملی است که همیشه مایهٔ مباهات بوده و ما را به دوره‌های پر افتخار گذشته که معرف جلال و مبین احساسات صادقانه ماست سوق می‌دهد» .

انسان با حواس خمسه با جهان خارج از خودش ارتباط می‌یابد و در میان این حواس دو حس بینایی و شنوایی از امتیازات ویژه‌ای برخوردارند که یکی نقش بیننده دارد و دیگری نقش شنونده و فقط توسط این دو حس است که هنر متجلی می‌شود . هنر نقاشی، حجاری و مجسمه‌سازی و معماری مربوط به حوزهٔ بینندگی است ولی موسیقی و شعر از آن شنونده . در گذشته این دو هنر (موسیقی و شعر) غیر قابل تفکیک بودند و یک هنر واحد را تشکیل می‌دادند . ولی بعدها یکی توسط کلام که کاملاً نتیجهٔ تفکرات انسانی است و دیگری بوسیله روان که دارای قدرت غیرقابل سنجشی است از یکدیگر مجزا شدند . همین جاست وظیفه موسیقی، زیرا یک حالت روحی را بدون وسیله و سببی، تشریح یا تحریک می‌کند . در صورتیکه شعر کلمات ساخته شده را ترجمه و تفسیر می‌نماید و مانند زیرنویس عکسی است که ما را به نقش آن آشنا می‌سازد .

www.ketab.ir

لاوینیاک (دانشمند موسیقی شناس) معتقد است:«در حقیقت شعر و موسیقی لازم و ملزوم یکدیگرند و با وجود تفرقه‌های آنی از تجمع آنها نمی‌توان مانع شد زیرا به‌وسیله همین تجمع است که می‌تواند حداکثر قدرت و نفوذ خود را ظاهر سازد .

همچنین این قدرت و نفوذ در اپرا و درام لیریک جدید (moderne drame lyriqe) توسط دیگر هنرها همچون نقاشی، معماری، حجاری و آنچه مربوط به بیننده است افزون می‌شود حتی در لباس و رقص، در اینجاست که تمام هنرها با هم جمع شده و ما را به هدف اصلی رهنمون می‌سازد .»[۱]

در این میان اگر یکی از این هنرها از سایرین جدا شود و ما را به کمال مطلوب و معنوی که انتظار داریم هدایت کند این هنر بی‌گمان «موسیقی» خواهد بود...

در تعریف موسیقی گفته‌اند که:« موسیقی هنر بیان احساسات به وسیله صداهاست».[۲] ولی مهمترین عامل تشکیل دهندهٔ موسیقی برای ایجاد صدا **سازها و ابزارآلات موسیقی** است .

به هر روی مهمترین عامل در شناخت موسیقی بومی و ملی هر قوم و ملتی که پایه و اساس برای معرفی موسیقی آنان تلقی می‌شود، شناخت و معرفی ابزار و آلات موسیقی آن قوم و به عبارت دیگر **سازشناسی موسیقی** است . بدون شناخت سازهای موسیقی انتقال و تبیین و توضیح و شرح ویژگیها و مبانی موسیقی هر قومی غیر ممکن است . آنچه بیشتر در کتاب سازشناسی موسیقی کُردی طرح و مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرد آموزش دقیق سازهای موسیقی سنتی کُردهاست . در این زمینه پژوهش مستقلی تاکنون انجام نگرفته بود هرچند در برخی آثار و تالیفات حوزهٔ موسیقی ایران (به زبان فارسی) اشاراتی کوتاه راجع به انواع سازهای مستقل در موسیقی کُردی شده بود ولی بطور جداگانه کتابی که بر این مهم و موضوع بپردازد در دسترس نبود .

---

۱. جمال شناسی از نظر موسیقی، آ. لاوینیاک، ترجمه و اقتباس منوچهر محمودی، ص ۱۰.(بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۲۶ش)

۲. تئوری موسیقی، مصطفی کمال پورتراب، ص۱۳. (تهران، نشر چشمه، ۱۳۷۲ش)

www.ketab.ir

امروزه موسیقی کُردی نام و آوازهٔ فراگیری یافته و از مرزهای حوزهٔ جغرافیایی خود به حوزه‌های دوردست همچون اروپا و امریکا راه یافته است، شکلهای گوناگون موسیقی کُردی برای این نظام کهن فرهنگی در دنیای امروز تجربه‌های نو و بدیعی را بـه ارمغـان آورده است . انواع سرودهای انقلابی در موسیقی کُردی، ترانه‌های زیبا، نغمه‌های محلـی مناطق مختلف کردستان، ناله‌ها و نی‌های عارفانه بـه ایـن موسـیقی جایگـاه ویـژه‌ای در جهان بخشیده است . جایگاهی که به حق می‌تواند نمایندهٔ یکی از اصیل‌ترین نمادهـای موسیقی خاورمیانه باشد .

امروزه در ایران علاوه بر گروه‌هـای گونـاگون موسـیقی سـنتی و ملـی، گـروه‌هـای برخاسته از موسیقی سنتی کردستان رکن اصیل و اساسی را دارا می‌باشند .

.موسیقی کُردی در منـاطق کردنـشین از ریـشه‌هـای تـاریخی بـسیار کهنـی مایـه می‌گیرد و اغلب از یک ویژگی بارز نیز برخوردار است که حالتی رزمی و کوبنده دارد در ضمن اینکه جنبـه‌هـای ملایـم و آرام نیـز فـراوان دارد . موسـیقی کُـردی بـی‌گمـان از غنی‌ترین و پربارترین موسیقی‌های حوزهٔ خاورمیانه و ایـران بـه شـمار مـی‌رود . کُردهـا موسیقی را جزئی از زندگی خود می‌دانند و در همهٔ آیین‌ها و مراسـم ملـی، سـوارکاری، سوگواریهای سنتی از آن استفاده می‌کنند چنانکه موسـیقی در زنـدگی آنهـا ریـشه‌ای محکم و ناگسستنی دارد .

موسیقی کُردی را در سرتاسر مناطق کردنشین می‌توان به دو گروه موسیقی بـدون ساز و موسیقی با ساز طبقه‌بندی کرد .

الف: موسیقی بدون ساز کُردی - بدون همراهی آلات موسیقی تنها با کـلام همـراه است و به شکل ریتمی خوانده می‌شود و اشعار آن را مسایلی که در ارتباط مـستقیم بـا مردم است، گزارش می‌کند از جمله شرح حال افراد و یا توصیف مسایل عـاطفی (اغلـب به صورت مرثیه)، هنری، اقتصادی، سیاسی و دلبستگی به کسی یا چیزی که همگی در اشعارشان گنجانده می‌شود . به این شـیوهٔ نمـایش موسـیقی در کُـردی «هـوره» گفتـه می‌شود . از مشهورترین این نوع موسیقی می‌توان به «بیت» و «حیران» و «هوره» اشاره

www.ketab.ir

کرد . هوره‌هایی همچون هورهٔ ارکوازی و هورهٔ لاواندنه‌وه (مرثیه) در موسیقی کُردی نیز از شهرت بسزایی برخوردار است .

موسیقی بدون ساز در هر منطقه از مناطق کردنشین بر پایه سنت و رسوم ویژهٔ مخصوص به‌خود می‌باشد که بررسی و پژوهش آنها کتاب جداگانه‌ای را می‌طلبد .

ب: موسیقی با ساز کُردی- در موسیقی با ساز، اشعار و ترانه‌ها ریتمی‌تر ارائه می‌گردد و خواننده یا سراینده تلاش دارد کلام خود را با آهنگ موزون کند و از انواع ساز بهره می‌گیرد که ساخت این سازها بنابر شرایط سنتی مردم آن منطقه شکل می‌گیرد .

موسیقی کُردی را از نظر پیشینه و قدمت به دو گروه تقسیم کرده‌اند:

۱) موسیقی باستانی: که دربرگیرندهٔ هۆره یا موره (لاواندنه‌وه) و لوره و سیاچمانه، سیاچوپی و نغمه‌های سماعی- سنتی است .

۲) ترانه‌های ملودیک: از اشعار هجایی و گاهی عروضی تشکیل یافته است مانند مقام «صمد لچکی»، مقام «ویسی»، مقام «صمد مسگری» و سایر مقامات موسیقی کُردی .

بیت خوانی، موسیقی دیگری است که در کردستان وجود دارد . در این نوع موسیقی وزن و قافیه چندان رعایت نشده و متشکل از یک نغمه ساده است که در وصف جنگ و سرداران و شخصیتهای ملی سروده می‌شود . حدوداً دویست داستان ملی، مذهبی، حماسی و عاشقانه در ادبیات کُردی از بیت خوانی وجود دارد . در مناطق مهاباد، اشنویه، سقز، بانه، بوکان، سردشت و سنندج موسیقی شکل دیگری به‌خود می‌گیرد، چنانکه حالت رزمی و بزمی خود را آشکار می‌سازد . در بخش موسیقی کردستان حوزهٔ سلیمانی و اربیل ریتم برخی آهنگها تحت تاثیر موسیقی عربی بوده که با اشعار کُردی خوانده می‌شود . از این نمونه می‌توان به آثار هنری صلاح‌الدین نجم و کریم کابان اشارت داشت . در مناطق پاوه و هورامان نیز شمشال از جایگاه مقدسی برخوردار است . در میان کُردهای لک حوزهٔ کرماشان و ایلام و لرستان نیز گونه‌ای

www.ketab.ir

موسیقی به نام «مور» رایج است که از ریتمهای موزون برخوردار است و نیز شیوه‌های اصیل و کهن موسیقی کُردی همچون «هۆره» و «چمری» در این نواحی کاربرد فراوان دارد . به هر حال دربارهٔ سازهای کاربردی در موسیقی کُردی همچنانکه در این کتاب به گزارش دقیق آن پرداخته شده می‌توان بر آن بود که در میان سازهای ضربی (کوبه‌ای): دف، دایره، دهل، طاس و دو طبله، و سازهای بادی: نی، دوزله، شمشال، نرمه‌نای (بالابان) و سورنا (تایه)، و سازهای زهی: تنبور، تار و کمانچه بیشترین کاربرد را دارند .

در مناطق کردنشین موسیقی هر منطقه با منطقه دیگر متفاوت است مثلاً موسیقی کُردهای منطقهٔ مکری و منطقهٔ بادینانی با منطقهٔ سلیمانیه متفاوت است . اما موسیقی هورامانی کاملاً بکر و اصیل باقی مانده است .

ژان دورینگ (موسیقی‌دان فرانسوی) که پژوهشگر موسیقی سنتی ایران (ازجمله موسیقی مناطق کردنشین) است بر این باور است که قدمت سازهای آرشه‌ای در ایران به حدود ۱۴۰۰ سال پیش برمی‌گردد و تصریح می‌کند که تمام سازهای آرشه‌ای از «رباب» ریشه گرفته‌اند . وی پیدایش و تحول سازهای آرشه‌ای را در آسیای میانه می‌داند و می‌گوید: نخستین سازهای آرشه‌ای با موی اسب ساخته می شدند . او معتقد است قدیمی‌ترین ساز آرشه‌ای کمانچه است(که در میان کُردها کاربرد فراوان دارد) که در گذشته به آن رباب گفته می‌شده است و تنوع این سازها در موسیقی سنتی ایران بسیار فراوان است و هر جا به شیوه‌ای خاص و ساختمانی متفاوت استفاده می‌شود . دورینگ اعتراف می‌کند که مهاجران این «ساز» را به اروپا بردند و آن را متحول کردند و نام ربک را بر آن گذاشتند . این ساز کوچک بود و بعدها با تغییر و تحولاتی که بر آن انجام شد، به ویلن امروزی تبدیل شد .

موسیقی کُردی پیوندهای عمیقی با طبیعت دارد و در کوهساران و دشتها و روستاها و شهرهای کردنشین ارتباطی عاطفی و نزدیکی و خویشی میان مردم کُرد و عناصر طبیعت به وجود آورده است که انسان به بایستگی حال و احوال با طبیعت به زبان موسیقی به گفتگو می‌نشیند و از شادیها و غمها با او سخن می‌گوید .

www.ketab.ir

برای نمونه در موسیقی کُردی حوزهٔ ایران به مواردی اشارت می‌رود :

۱. موسیقی محلی کُردی هورامان- اورامان منطقه‌ای گسترده از جنوب غربی سنندج تا غرب کردستان و بخشی از کردستان عراق را نیز دربر می‌گیرد و در دو استان کرمانشاهان و کردستان ساکن هستند . موسیقی این منطقه را می‌توان به دو گروه چپله و گوشی تقسیم کرد . چپله به آهنگهایی گفته می‌شود که ریتمی مشخص و منظم دارند و همراه با کف زدن اجرا می‌شوند . گوشی، ملودیهای آوازماننده‌ای است که ریتم منظم ندارند و اغلب به صورت آزاد اجرا می‌شوند . نمونه‌های اجرای این برنامه با خوانندگی عباس کمندی و با نظارت و آهنگسازی گروه کامکارها با عنوان «اورامان» عرضه شده است . (سال ۱۳۶۸ ش) ترانه‌های اورامی بدون هیچ تنظیمی و با اصالت و حالت ویژهٔ اولیهٔ خود اجرا شده‌اند .

۲. موسیقی محلی لکی و لری (خرم‌آبادی)- حماسه‌های لرستان در ترانه‌های لهجهٔ کُردی لکی و لری انعکاس یافته و نقش بسته‌اند و لذا نمونه‌های فراوانی از این نوع آثار در بین خوانندگان لکی و لری همچون آقای نادری، فرج علیپور، غلامرضا سبزعلی، آیت گودرزی، بهمن اسکینی و محمد میزاوندی متداول می‌باشد که با نوای ساز محلی دهل درآمیخته است . از نوازندگان موسیقی لری و لکی و خرم‌آبادی می‌توان از مجتبی میرزاده، شهریار یوسفی، فیروز برنجیان، جمال جهانشاد، عارف ابراهیم‌پور، نادر سینکی، رسول بهبهانی، جمشید عندلیبی، علی‌نقی افشارنیا، اردلان کامکار، حسین بهروزی‌نیا، بیژن کامکار، درویش‌رضا منظمی (تکنوازی کمانچه)، حسین سالم، رامین دربندی، محمدرضا کریمی، عیدی شاهرخی، علی‌رضا حجتی، عیسی خلفی، بهمن اسکینی و سیامک نعمت‌ناصر یاد کرد .

۳. موسیقی بختیاری- موسیقی کُردی بختیاری که روایتی است از تاریخ و سرگذشت ایل بختیاری، توسط نوازندگان و خوانندگان محلی نسل به نسل حفظ شده که به آنها توشمال هم می‌گویند . مردم ایل آنها را بر سر سفرهٔ خود نمی‌نشانند . آنها بر بلندی‌ها می‌روند و در مرگ هر ایلیاتی ساز چپی می‌نوازند . از ویژگی موسیقی بختیاری

www.ketab.ir

تغییر مقامهاست . آقای علی اکبر زکی‌پور که از توشمالهای معروف ایل بختیاری است در شکل‌گیری مجموعه‌های موسیقی بختیاری سهم عمده‌ای داشته است . خوانندگانی چون مسعود بختیاری، عطا جنگوی و نوازندگی کسانی چون مسعود شناسا مهری، آذر سینا، علینقی افشارنیا، حسین بهروزنیا، مرتضی اعیان، عطا جنگوک، علی‌اکبر شکارچی و مکوندی آثاری همچون «مال کنون» (به مفهوم کوچ) تولید کرده‌اند .

۴. موسیقی حوزهٔ اردلان و مکریان- این موسیقی از ویژگیهای خاصی برخوردار است که از آن جمله، حرکت و ریتم توام با سادگی و روانی ملودی یا آهنگ را می توان نام برد . این ویژگی هنگامی که با عرفان درآمیزد، به ویژه اگر با شور و هیجان نوای دف‌ها همراه شود، هر شنونده‌ای را به سماع می کشاند . و نیز در برخی موارد هم موسیقی سنتی و موسیقی فولکلور به‌هم پیوند می‌یابند و اثری محلی را در دستگاههای ابوعطا و دشتی می‌سازند . برای نمونه می‌توان از دو مجموعهٔ هی‌گل و زردی خزان با آهنگسازی جلیل عندلیبی، ارسلان و هوشنگ کامکار یاد کرد . خوانندگان آن دو مجموعه بهروز توکلی و بیژن کامکار بوده و نوازندگانش کسانی چون: اردشیر فهیمی، فرهاد عندلیبی، رضا فهیمی، منصور سینکی، حسین بهروزی‌نیا و عباس میاندهی(برای مجموعهٔ هی گل) و سیاوش ظهیرالدینی، کریم قربانی، مرتضی سرآبادی، ابراهیم نظری، ابراهیم لطفی، حمید متبسم، پشنگ کامکار و اردشیر کامکار(برای مجموعهٔ زردی خزان)بوده‌اند . مجموعهٔ «ره عشق» نیز که با آهنگسازی علی درخشان و خوانندگی اشرف ابراهیمی اجرا شده، قابل ذکر است .

در حوزهٔ نوازندگان دههٔ چهل و پنجاه(۱۳۴۰-۱۳۶۰ش) نیز کسانی چون محمد عبدالصمدی، محمود مرآتی، اکبر ایزدی، حامدی، بهمن پولکی، درویشی، مسعود زنگنه، زید یحیایی، اردبیلی، پرندیان و سید مجتبی میرزاده قابل ذکرند . از گروه نوازندگان آن زمان ابراهیم ولی، احمد سلیمی، عسکر نقشبندی، گلستانی، صنعتی، برادران زی‌زی، سید محمد صفایی، مرتضی تندرو، ابراهیم خوشنوا، هاشم ربیعی، محمد طهماسبی، غلامعلی رومی، عطاالله سعید منصور، کیمنه ایها(محمد حسین، شفیع و عثمان)،

www.ketab.ir

سلطان مراد احمدی، علی نظر، محمد نجار، محمد یاوری، مراد سکین، حشمت‌الله لرنژاد، فیروز سابور، اسماعیل پیرخدری، سعید قندی(قادر سیاحی)، اسماعیل مسقطی، اسماعیل سابور، یدالله رحمانی، شهاب جزایری، یدالله یخچالی، سید جلال محمدیان، استاد بهزاد کرماشانی، درویش نعمت‌علی خراباتی، شیخ حسین داودی و استاد حاجی خان ناظری قابل ذکرند .

در حوزهٔ مکریان نیز حسن زیرک(بوکان)، محمد ماملی(مهاباد)، عزیز شاهرخ(مهاباد)، سید علی رحیم پور سردشتی و خله درزی(سردشت) از خوانندگان مشهورند که همواره گروه نوازندگان ویژهٔ خود را داشته‌اند .

از گروههای موسیقی نیز کسانی چون حسن یوسف‌زمانی(با همراهی برادرش حسین یوسف زمانی)، مظهر خالقی، علاءالدین باباشهابی و محمد طهماسبی که به اجرا و ضبط موسیقی اشتغال داشته‌اند قابل یادآوری می‌باشند .

البته یادآوری این نامها و یادها فقط محض آشنایی اجمالی خوانندگان با بخشی از موسیقی نواحی کردستان(ایران) می‌باشد که گزارش کامل آن و طبقه‌بندی و معرفی و شرح حال همهٔ نوازندگان و خوانندگان و گروههای موسیقی کرد نیاز به تدوین «دایره المعارف مشاهیر موسیقی کُردی» دارد که امید است این مهم به‌دست توانای پژوهشگران کرد انجام گیرد . افزون بر این نمونه‌های یاد شده، موسیقی عرفانی مناطق کردستان به‌ویژه حوزهٔ مکریان و اورامان و معرفی آنها نیز به پژوهش جداگانه نیاز دارد زیرا مجالس ذکر دراویش قادری و نقشبندی که موسیقی ویژهٔ عرفانی و همراه با اعمال ریاضت بیانگر حال و چگونگی باورهای مذهبی و دینی پیروان طریقت است که تنها برای کسانی قابل درک و دریافت است که به حقایق عرفانی و فلسفی و بینش‌های آنها آشنا باشند . مجموعهٔ آداب و رسوم دراویش که در مجلس ذکر متجلی است نوعی رقص عرفانی(با ذکر و یاد خدا) و آوازهای موزون همراه با دف و طبل و نی می‌باشد که دراویش را تا سرحد «جذبه» رهنمون می‌شود .

افزون بر موسیقی عرفانی دراویشِ قادری و نقشبندی، موسیقی اهل حق(یارسان)

نیز قابل یادآوری است . پیروان اهل حق درکردستان میراث گرانبهای موسیقی سنتی کُردی را از کهن‌ترین دورانها تا به امروز پاسداری و حفظ کرده‌اند . موسیقی اهل حق با باورها و اعتقاداتشان عجین است . اهل حق ستایش و سروده‌های مذهبی را با تنبور همراهی می‌کنند و نوای «حق و حق» سر می‌دهند و حق جویند و حق گویند . در مرگ و میر نیز موسیقی در نزد اهل حق نقش مهمی دارد، چه برای آگاه کردن ایل و تبار خود و چه برای چمیدن و رقصیدن مردان در سوگ عزیزان خویش، که این رقص را «رارا» می‌گفتند . نیز پس از مرگ برای آمرزش و آسایش روح مردگان در شامگاه و بامداد، نوای موسیقی با سرنا و دهل سر می‌دادند که این نواها به‌نام «آی داوو- داوو» یا «هانای ممدبک» نامیده می‌شدند و با این کیفیت الحان و مقاماتی، موسیقی اصیل ایران زمین را سینه به سینه نقل و نگاهداری کرده‌اند .

نکتهٔ دیگری که در موسیقی کُردی شایسته است بدان اشاره شود «رقص کُردی» است . رقص در سرزمینهای کردستان پیوند جدا ناشدنی و ناگسستنی با مردم دارد . مردم هر منطقه بر پایهٔ شیوه زندگی و رسوم خود، رقص ویژه‌ای دارند که با آن به پایکوبی می‌پردازند . آنها گاهی با رقص به ادا کردن منظور و مقصود خود می‌پردازند، چنانکه در بعضی نقاط با رقصیدن چیزی را طلبیده یا چیزی را از خود دور می‌سازند . رقص کُردی به ملت و تاریخ پرتلاطم زندگی مردم جنبهٔ تحرک و آمادگی می‌بخشد و از حالت رزمی برخوردار است . در همین رقص کُردی گاهی کار به رقابت افراد می‌انجامد، چنانکه هرکس قادر باشد تا واپسین لحظه با ساز (نوازنده) همراه شود به اصطلاح، نوازنده را خسته کند و با او به مبارزه بپردازد از احترام بیشتری برخوردار گشته و بیشتر مورد تحسین واقع می‌گردد . البته این رسم در روستاهای کردستان بیشتر مشاهده می‌شود . از اصیلترین و کهن‌ترین رقص‌های کُردی می‌توان از «گریان»، «لرزانه»، «چوپی»، «فتاح پاشایی»(سه جار)، «خان امیری»، «ژنانه»(رقصیدن مخصوص زنان)، «سما»، «هلپرکه» و «لنجه» یاد کرد که اغلب به شیوه گروهی و دسته‌جمعی انجام می‌گیرد و در گروههای ده تا صد نفر، نیز مردان و زنان شرکت دارند .

www.ketab.ir

اما در پایان سخنی بایسته است در خصوص انواع سازها گفته آید که موضوع اصلی کتاب می‌باشد . امروزه با تنوع سازها، گروه‌بندیهای مختلفی رایج است که با گروه‌بندی قدما تفاوت دارد . مؤلف این کتاب جناب بهزاد نقیب به پیروی از شیوهٔ قدما آلات موسیقی کُردی را به سه گروه سازهای بادی (ذوات النفخ)، سازهای زهی(رشته‌ای یا ذوات الاوتار) و سازهای ضربی (ایقاعی یا سازهای کوبه‌ای) طبقه‌بندی نموده است . در گروه‌بندیهای امروزی، آلات موسیقی و سازها را به ده گروه اصلی به شرح ذیل تقسیم می‌نمایند که گزارش آن برای خوانندگان مفید فایده است:

۱- سازهای رشته‌ای کمانی مانند: کمانچه، رباب و ویولن .

۲- سازهای رشته‌ای زخمه‌ای مانند: تار، سه‌تار، تنبور، چنگ(هارپ)، گیتار، ماندولین و قانون .

۳- سازهای رشته‌ای کوبه‌ای یا چکشی مانند: پیانو و سنتور .

۴- سازهای بادی باز بی‌زبانه مانند: فلوت و نی .

۵- سازهای بادی بسته مانند: موسیقار، مشقه و فلوت پان .

۶- سازهای بادی زبانه‌دار باز مانند: ساکسیفن .

۷- سازهای بادی زبانه‌دار بسته مانند: قره‌نی یا سیه‌نای (کلارینت) .

۸- سازهای بادی دوزبانه‌ای باز مانند: صوت انسانی، سرنای، بالابان، اوبوا و باسون .

۹- سازهای بادی بی‌زبانهٔ باز که در رأس استوانه آنها دمیده می‌شود مانند: شیپور، کر، ترومپت، و توبا . (ارگ در شمار سازهای بادی است که انواع نایهای بسته، باز، بی‌زبانه و با زبانه را شامل است).

۱۰- سازهای کوبه‌ای و ضربی . این دسته از سازها خود به چند گروه تقسیم می‌شود:

الف- سازهای لوحه‌ای فلزی یا چوبی مانند متالوفن و سیلوفن .

ب- سازهای تیغه‌ای یا زبانه‌ای فلزی مانند جعبهٔ موسیقی (یابوات آموزیک).

ج- سازهای کوبه‌ای فلزی مانند: سنج، مثلث، زنگ یا جرس، زنگوله، گنگ یا آیینه

www.ketab.ir

پیل و تال .

د- سازهای کوبه‌ای که در ساخت آنها پوست بکار رفته است مانند: طبل کوچک، طبل بزرگ، دف، دایره، دایرهٔ زنگی، دهل، کوس و نقاره .

البته همچنانکه مشاهده شد در تقسیم‌بندی جدید از سازها، مجدداً محورهای اصلی طبقه‌بندی قدما به شکل ریزتر و بر اساس جنس و نوع ساز رعایت شده است .

برای آگاهی از دانش آلات موسیقی قدما کتاب **الموسیقی الکبیر** ابو نصر فارابی (به کوشش عطاس عبدالملک خشبه و محمد الحفنی، چاپ قاهره، دارالکتاب العربی، ۱۹۶۷م)، و **مقاصد الالحان** عبدالقادر مراغی (به کوشش تقی بینش، چاپ تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴ش) راهنمای خوبی به‌شمار می‌آیند . توصیفات فارابی از آلات موسیقی رایج در روزگار خودش در تاریخ موسیقی بی‌همتاست . توضیحات مفصل فارابی دربارهٔ کوک کردن سازهای زهی دسته‌دار و گامهای سازهای چنگ مانند وگستر و سوراخهای جا انگشتی در خانوادهٔ سازهای بادی – چوبی همه و همه موضوعهایی بودند که پیش از آن کسی از آنها چیزی نشنیده بود . نمونه دیگری از آثار آلات موسیقی رساله‌ای به فارسی است به نام «**کنز التحف**» که در قرن هشتم هجری (قرن ۱۴ میلادی) به رشتهٔ تحریر کشیده شده است . در این اثر به توصیف اکثر آلات موسیقی پرداخته و رهنمودها و توصیه‌هایی از قبیل سبک و شیوهٔ ساخت هر ساز را تبیین می‌کند و اینکه چه چوبی برای کدام آلت موسیقی بهتر است و چگونه به تولید ابریشم یا زه برای سازهای زهی بپردازیم و برای تقویت نغمه‌ها از طریق زههای تشدید کننده از چه راه‌هایی اقدام کنیم- که این یکی توصیه‌ای است در نوع خود بی‌نظیر و یا چگونه با پاشیدن گرد شیشه بر سطح درونی کاسهٔ ساز، که از پیش مایه‌ای چسبناک بر آن مالیده شده باشد، به بهبود نغمهٔ آن ساز کمک کنیم .

ابن سعید مغربی(متوفی در حدود ۶۸۰ ق/۱۲۸۰م) می‌آورد که انواع کتابها در باب آلات موسیقی گوناگون و هنر ساختن آنها نزد ما فراوان است و این در حالیست که به روزگار ابن رشد اندلسی و قلقشندی (متوفی به سال ۶۲۹ ق/۱۲۳۱م) شهر اشبیلیه

www.ketab.ir

مرکز تولید آلات موسیقی در اندلس بوده و در این زمینه صادرات نیز داشته است . در اینجا از ذکر نام ابن سیده (متوفی ۴۵۸ق/ ۱۰۶۶م) دانشمند لغوی اندلس نیز نباید غافل بمانیم که چندین بخش از اثر خود موسوم به **المخصص** را به آلات موسیقی اختصاص داده است .

دانشمند بلند آوازه صفی‌الدین عبدالمؤمن ارموی(متوفی ۶۹۳ ق/۱۲۹۴م ، اهل ارومیه و احتمالاً از دانشمندان کُرد قرن هفتم) صاحب کتاب **الادوار** و **رساله الشرقیه** در علم موسیقی انقلاب بزرگی ایجاد کرد و در آثارش به آلات موسیقی مفصل پرداخت و تالیفات وی بر همهٔ دانشمندان موسیقی شناس پس از خودش همچون قطب الدین شیرازی صاحب **دُره التاج** و محمود آملی صاحب **الفنون** تاثیر گذاشت . از دانشمندان کُرد موسیقی شناس که در حوزهٔ موسیقی و آلات موسیقی تالیفاتی داشتند خطیب اربیلی (۷۳۱ ق/۱۳۲۹م) صاحب **جواهر النظام فی معرفه الانغام** و امی بن خضیر کُردی (متوفی به سال ۸۰۰ ق/۱۳۹۷م) صاحب **کنزالمطلوب فی علم الدوائر و الضروب** قابل ذکرند . پس از اینان کتاب ابن طحان (قرن هشتم هجری) با عنوان «**حاوی الفنون**» به‌ویژه در باب ساختن آلات موسیقی، اثری ارزشمند به‌شمار می‌آید . در این دوره است که عبدالقادر بن غیبی مراغی (متوفی سال ۸۴۰ ق/ ۱۴۳۵م) صاحب **جامع الالحان** ظهور می‌کند و با آثارش تحولی در علم موسیقی ایجاد می‌کند .

موسیقی شناس کُرد ماردینی (متوفی به سال ۸۰۹ ق/۱۴۰۶م) نیز دو رساله تالیف کرد: **مقدمه فی علم قوانین الانغام و ارجوزه فی شرح النغمات**(شرح منظومه‌ای در بحر رجز در باب نغمات)، که در آن به آلات موسیقی پرداخته است .

در قرن نهم هجری در باب موضوع آلات موسیقی منحصراً کتاب«**کشف الهموم و الکروب فی شرح آلات الطرب**» شناخته شده است که اثری بسیار مهم در باب موسیقی و آلات موسیقی (در مصر) به‌شمار می‌رود و در آن از بسیاری از صاحبنظران ناشناختهٔ علم موسیقی نام برده شده است، نظیر تقی‌الدین محمد بن حسن فارابی (یا فاریابی) و احمد بن محمد بن ایوب خوارزمی و دیگران . تنها نسخهٔ خطی موجود از این کتاب در

www.ketab.ir

استانبول نگهداری می شود . تک نگاری سعدالدین کمری (در قرن نهم هجری) در باب **چنگ** بصورت گفتگویی میان شاگرد و استاد تالیف نمـود و فخرالـدین خجنـدی (قـرن دهم هجری) که حاشیه‌ای بسیار زیرکانه بر صفی‌الدین عبدالمؤمن ارموی نوشت .

موسیقی شناس کُرد دیگری که در علم موسیقی وآلات موسیقی رساله‌ای ارزشمند نوشت مظفر بن حسین بن مظفر حصکفی (قرن دهم) بوده که اثـر متـین و پـر مغـزش به‌عنوان «**رساله الکاشف فی علم الانغام**» قابل ذکر است . کتاب دیگری از قرن دوازدهم هجری از دانشمند دیگر کُرد قابل شمارش است با عنوان «**دُر النقی فی فن الموسیقی**» تألیف احمد بن مسلم موصلی (حدود ۱۱۵۰ق/ ۱۷۳۷م) بود و بـه عربـی نگاشـته شـده بود.

جان کلام نیز در دورهٔ معاصر آثار و تألیفات بسیار معدودی در بـاب سازشناسـی و آلات موسیقی نگاشته شده که متاسفانه از عدد انگشتان فراتر نمی‌رود که مـی‌تـوان بـه کتـاب «**سازشناسـی**» نوشـتهٔ پرویـز منـصوری (چـاپ تهـران، وزارت فرهنـگ و هنـر، ۱۳۵۵ش) اشارت کرد . این اثر در دو بخش سازهای ایرانی (ص۱-۸۰) و سازهای غربی (ص ۸۱-۱۹۳) تدوین و تنظیم یافته است .

آخرین پژوهش انجام شده در این باره همین کتـاب سازشناسـی موسـیقی کُـردی نگاشتهٔ بهزاد نقیب است که هفت ساز بادی و هشت ساز زهـی و یـازده سـاز ضـربی را شرح و توضیح داده و به ویژگی‌های فنی و فیزیکی، کـاربرد و جایگـاه سـاز در باورهـا و ادبیات فولکلور پرداخته است و امید است در آینده به تکمیل و تتمیم آن همت گمارند.

اگر بخواهیم دامنهٔ پژوهشهای سازشناسی را با دیدگاه گسترده‌تـری دنبـال کنـیم بی‌گمان آثار ذیل مفید فایده فراوان خواهند بود:

1.THE HARVARD BRIEF DICTIONERY OF MUSIC 11TH.ED
2.A NEW DICTIONERY OF MUSIC 3RD.ED
3.GROVE'S DICTIONERY OF MUSIC AND MUSICIANS 5TH.ED
4.EVER YMAN'S DICTIONERY OF MUSIC 1ST.ED

www.ketab.ir

5.THE LAROUSSE ENCYCLOPEDIA OF MUSIC 7TH.ED
6.THE CONCISE OXFORD DICTIONERY OF MUSIC 2ND.ED

کتابی که در پیش رو دارید دربارهٔ سازشناسی موسیقی کُردی سرآغاز تلاشی است ازسوی پژوهشگر گرامی جناب آقای بهزاد نقیب جهت علاقه‌مندان به موسیقی کُردی و نواحی کردستان . امید است این پژوهش آغازین پاسخ درخور و شایسته برای کسانی باشد که در راه شناخت و شناساندن موسیقی اصیل کُردی گام برمی‌دارند و ره می‌جویند و ره می‌پویند .

در پایان امیدوارم مطالب این کتاب بیش از پیش مایهٔ اعتلای دانش موسیقی کُردی برای هنرجویان و هنردوستان باشد .

تهران- نادر کریمیان سردشتی
اسفندماه ۱۳۸۳ خورشیدی

www.ketab.ir

دیباچه مؤلف

به نام خدا

به لطف الهی فرصتی دست داد تا بعد از سالها، حاصل تحقیق و جمع آوری اطلاعاتی راجع به ساز شناسی موسیقی کُردی، به تحریر در آید و در اختیار دوستداران فرهنگ و هنر کهن کُردی قرار گیرد . این نوشتار در سال ۱۳۷۴ تقریبا تکمیل گردید اما بنا به شرایطی، انتشار آن به تعویق افتاد .

آنچه در اختیار شما عزیزان قرار دارد شمه‌ایست از درخت کهنسال و پر شاخ و برگ فرهنگ کردزبانانی که دست تتاول زمانه کمتر تغییر و دگرگونی را در این گنجینه دیرین پدید آورده است . البته بر هر فرهنگ دوستی واجب است قبل از دگرگونیهای فرهنگی که از هر جانب، دانسته و ندانسته بر این زبان و فرهنگ بیش از پیش وارد می‌آید، آستین همت را بالا زده و به‌عنوان میراثی از گذشتگان آنرا پاسداری نماید .

در ابتدا کنجکاوی جهت شناخت ملل و اقوام، مرا بر آن داشت تا مطالعات را در این مسیر ادامه دهم . نتیجه آن شد که قصد ترجمهٔ کتابی کُردی بنام *(هێندێ داب و نەرێتی باوی کوردەواری)* عملی گشت . اما کامل نبودن مطالب آن که مختص به آداب و رسوم بخشی از کردستان بود، مرا از بازنگری ترجمه و انجام مراحل بعدی آن باز داشت . آنچه که توجه مرا به خود جلب نمود، حضور مداوم موسیقی در زندگی کُردها

www.ketab.ir

بود . اینگونه بود که تحقیق، تغییر جهت داد و حاصل آن شد که بخش نخست در مقابل شما قرار دارد . این نوشتار بخشی از تحقیق در موسیقی کُردی است که از سازهای کردستان آغاز و انشاءالله در مجلدهای دیگر به تاریخ، مشاهیر و بررسی موسیقی کُردی پرداخته می‌شود .

واضح است که چنین نوشتاری از اشکال مبری نیست که در اینجا می‌توان به بخشی از دلایل عمده آن اشاره نمود:

۱- چنین تحقیقی به عده‌ای افراد متخصص با امکاناتی مناسب احتیاج دارد که از طرف سازمان یا اداره‌ای حمایت شوند .

۲- موقعیت جغرافیایی مناطق کردنشین که مرزهای چند کشور از میان آن می‌گذرد و مشکلات امنیتی، راه را جهت جمع آوری مطالب صعب و مشکل می‌نماید .

۳- پراکندگی کُردها در شمال ایران، خراسان، سیستان، بلوچستان، مناطق غربی ترکیه، افغانستان، قرقیزستان، تاجیکستان و... عاملی دیگر بر سر راه جامع و کامل نبودن این تحقیق و نمونه‌های مشابه آن است .

از طرفی دیگر، توضیح موارد ذیل را دربارهٔ این نوشتار لازم می‌دانم:

۱- آنچه آمده است تمامی سازهای کردستان را در بر نمی‌گیرد . بعنوان مثال سازهایی که در کتب ساز شناسی باید به آنها اشاره شود مانند طبلهای دسته دارچوبی که غالبا کودکان از آن بهره می‌گیرند، زنبورک که در میانهٔ دندانها قرار گرفته و نواخته میشود و حتی سازی اصلی و مهمی مثل *سه‌تار* که در جنوب شرقی کردستان کاربرد فراوان دارد در اینجا نیامده است . که علل این کاستی‌ها در سه مورد فوق اشاره گردیده است .

۲- در مورد اندازهٔ سازها ذکر این نکته لازم است که اکثر آلات موسیقی شرقی، دارای اندازهٔ دقیق و ثابتی نیستند . البته این مشکل درممالک غربی پس از نیمهٔ اول قرن نوزدهم برطرف گردید ولی متأسفانه نبود اندازهٔ ثابت و تعریف شده‌ای، در بیان این مورد، تولید مشکل می‌نماید . در شرح اندازهٔ ســـازها، به چندین شیوهٔ اندازه‌گیری اشاره

www.ketab.ir

شده، لذا برخی از ستونهای آن، خالی از اعداد است .

۳- در بخش نام سازندگان و نوازندگان، مطمئناً اسامی بسیاری از اساتید ذکر نگردیده است که این امر نه از روی قصد که به دلیل مشکلات ذکر شده میسر نبوده است .

۴- لازم به ذکر است جهت جلوگیری از اطالهٔ کلام، بخشهایی از این نوشتار حذف گردیده است .

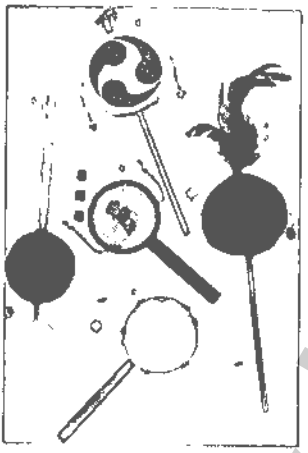

۵- در حین تحقیق، از آلات موسیقی و نوازندگان آن فیلمهایی تهیه شده بود که بتوان آنرا بصورت ضمیمه کتاب ارائه داد، امیدوارم در آینده فرصتی جهت انتشار آنها به‌دست آید . همچنین طرحها و حتی زحمات آقای پوشکین میمندی نژاد که مینیاتورهایی زیبایی را ترسیم نموده بودند نیز در این نوشتار دیده نمی‌شوند . بدین منظور برای درک صحیح توضیحات، از عکسهای گرفته شده در حین تحقیق و کتب و حتی سایتهای اینترنتی استفاده شده است .

۶- نمونه‌هایی از اشعار و جملات کُردی در متن آمده و می‌بایست از رسم الخط کُردی استفاده شود اما محدودیت برنامهٔ کامپیوتریی که از آن بهره گرفته شده، این امر را ممکن نمی ساخت .

۷- در اینجا سعی شده آنچه مقدور بوده است به رشتهٔ تحریر در آید نه آنچه مورد دلخواه است . نوشتن دربارهٔ ملتی که دارای غنای فرهنگی و میراث‌دار ادیان و باورهای گذشته است، بسیار حساس و خطیر است .

و اما با توجه به مسائل ذکر شده، از خوانندگان گرامی‌خواهشمندم که آنرا به دیدهٔ نقد بنگرند . مطمئناً از انتقادهای سروران گرامی‌خوشحال خواهم شد زیرا هر آنچه را نقد بدان راه نباشد، امید اصلاحی به آن نخواهد بود .

www.ketab.ir

در اینجا جا دارد از عزیزانی که از سال ۱۳۸۰ش تاکنون متن را جهت چاپ آن به‌دقت خوانده و نظرات خود را مطرح نموده‌اند، تشکر نمایم . همچنین از آقای بیژن کامکار که با یادداشت محبت‌آمیز خود و آقای هوشنگ کامکار که با ظرافت و حوصلهٔ هرچه تمامتر در مشخص نمودن کاستی‌های این مجموعه زحمت کشیده‌اند قدردانی نمایم .

امیدوارم در آینده بتوان با نظرات و پیشنهادات سازندهٔ دلسوزان فرهنگ کرد، این نوشتار را کاملتر نمود .

عزیزان می‌توانند انتقادها و پیشنهادهای خود را به آدرس پست الکترونیکی زیر ارسال نمایند .

Behzad_Naghib@Yahoo.com

در خاتمه از تمامی دوستان و عزیزانی که به هر نحو مرا یاری داده‌اند کمال تشکر را دارم .

بهزاد نقیب سردشت

پاییز- ۱۳۸۳

www.ketab.ir

جناب آقای بهزاد نقیب محقق گرانقدر!

ثمرهٔ تلاش، تحقیق و تتبع شما را با چشم جان مطالعه کردم . بی‌تردید پیش از این جای چنین آثاری در عرصهٔ فرهنگ و موسیقی کردستان خالی بود . امید آنکه در سایهٔ تلاش جستجوگرانی چون شما، موسیقی این سرزمین پر نغمه و رمز و راز به همگان معرفی شود . چرا که بر این عقیده‌ام که انجام کاری بدین سترگی از عهدهٔ یک نفر و در یک مقطع زمانی خارج است؛ اگرچه شما سهم عمده‌ای از این مهم را بر دوش کشیده‌اید . همواره برایتان توفیق بیش‌تر آرزو می‌کنم .

با مهر و دوستی

بیژن کامکار

گروه کامکارها که سهم بزرگی درخدمت به موسیقی کُردی دارند

www.ketab.ir